

متن پرسش

با عرض سلام و ادب خدمت استاد عزیز: در ایام هفته دفاع مقدس و به بهانه تجلیل از خاطرات شهدا و مجاهدان دفاع مقدس مواجهه‌ای ویژه در انقلاب اسلامی نسبت به شهدای دفاع مقدس وجود دارد که در هیچ کجای تاریخ جز درباره شهدا و اسرای کربلا سابقه ندارد در تاملی به چرایی این نوع مواجهه که خاطرات شهدا و ایثارگران را تا این حد برای ما عزیز و مقدس کرده، این چند سطر به قلم آمد که تقدیم حضورتان می‌کنم: فقط انسان است که می‌تواند خاطره بسازد فقط این ما هستیم که خاطر داریم، خاطرخواه کسی می‌شویم، خاطر کسی برایمان عزیز می‌شود و به خاطر کسی کاری انجام می‌دهیم. ما چگونه خاطره می‌سازیم؟ چگونه در خاطرها می‌مانیم؟ شاید با خطر کردن همین که یک روز در این حد خطر می‌کنیم که از روال عادی شهر و خانه بیرون بزنیم، با همین اندکی خطرکردن، خاطره یک روز در دل طبیعت را برای خود رقم می‌زنیم گویی نسبتی میان خطر و خاطره هست هرچه در خطر بزرگتری می‌افتیم یا جرأت و جسارت بیشتر خطرکردن را به خود می‌دهیم، قوت و قدرت خاطره هم بیشتر می‌شود. شاید خاطره یک روز از زندگی تا زنده‌ایم برای ما زلال و قوی باشد، اما همین که ما را به خاک سپردند، خاطره ناب ما نیز با ما دفن می‌شود. وقتی مُردیم چه خاطره‌ای از ما باقی می‌ماند، در خاطر چند نفر می‌مانیم؟ شاید در خاطر آنها که برایشان خطر کرده‌ایم تا مدتی زنده بمانیم بعضی چنان خطری می‌کنند که تا قرن‌ها در خاطر میلیون‌ها نفر زنده‌اند، حتی بدون اینکه بدانیم و توجهی به آن داشته باشیم که چرا خاطره کسی در میان ما اینچنین عزیز است. مگر خاطره شدن چه اهمیت دارد؟ چه بسیار، کسانی که از خودگذشتگی‌ها کردند که در خاطرها بمانند اما هیچ‌کس آنها را بخاطر نمی‌آورد و چه بسیار مردان و زنانی که بی‌دغدغه نام و بدنامی؛ نه به خاطر خاطرها و خاطره‌ها، بخاطر کسی که در خاطرشان عزیز بود، گمنام و خاموش رنجه‌ها کشیدند، جامه‌های تلخی را نوش کردند و حضورشان در قلب انسانها، تنها به اراده ربّ قلوب زنده ماند؛ گویا او، نوعی از حیات را در ضمن بودن آدمیان در این دنیا برای آنها حفظ کرده‌است. گویی عمرشان برای شدت بودنشان در تاریخ انسانی کوتاه بوده و حال در خاطرها و خاطره‌ها زنده‌اند، تا امتداد وجود دنیایی‌شان، تاریخ‌سازی‌شان، قرن‌ها بیش از عمر دنیایی‌شان امتداد یابد، تا قرن‌ها می‌شود تماشایشان کرد، می‌شود آنها را شنید، می‌شود به آنها دل بست، می‌شود در افق وجودشان زیست، می‌شود با شادی‌شان خندید و با غم‌هایشان گریست می‌شود بخاطرشان مُرد، می‌شود بخاطرشان زیست https://eitaa.com/porsa_andishe

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چگونه می‌توان تا قیام قیامت با شهادتی که با اشارات حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» در راستای دفاع از اسلام، آن‌چنان به سوی جبهه‌ها دویدند که تا عرش پرواز کردند نسبتی نداشت، راستی را! نسبت ما با اینان چه نسبتی باید باشد؟ چگونه می‌توان خود را با اراده‌های قدسی که آنان را در بر گرفته بود، یگانه ندانست. کسانی که همه حرکات‌شان حکایت از آن داشت که جان‌شان را ذیل اراده الهی قرار داده‌اند و شخصیت‌شان آینه اراده الهی شده است تا آن‌جایی که فهمیدند تاریخی آغاز شده با آینده‌ای بسی متعالی و باید خود را در آن تاریخ حاضر کرد تا معنای حضور در آینده معنای آن‌ها شود. آنان را در خاطره خود نگه می‌داریم تا خود را به پا کنیم. وقتی فهمیدیم دیروزمان برای‌مان کافی نیست و به بودنی وسیع‌تر و حضوری عمیق‌تر نیاز داریم، ناگهان میدان حضور در دفاع مقدس برایمان گشوده شد و این بود راز این که فهمیدیم «چگونه ما، ما شدیم». و در نتیجه سنگری به ظهور آمد که حماس و حزب الله نیز خود را در آن یافتند تا با کوهی از خاطره آن‌چنان در جهان و ذیل اراده متعالی الهی قرار گیرند که سید مقاومت در سخت‌ترین شرایطی که به گمان دشمن برایشان پیش آمده است احساس کنند همه چیز در اختیار آنان است و هیچ چیز در اختیار دشمنان اسلام نیست؛ و در نتیجه این‌چنین می‌گویند:

https://eitaa.com/sheikh_ali_moghaddam/۴۰۲۹ . موفق باشید